

با اجازه استاد حیدری وجودی

خوشم می آید!

جگره و جنگ و جدالِ تو خوشم می آید
پافشاری و سوالِ تو خوشم می آید

توده را در غم و در دلهره انداخته ای
این چنین حيله و چالِ تو خوشم می آید

مردم ات سر لچ و پالچ پی یک توتئه نان
صد رقم کرتی و شالِ تو خوشم می آید

کاش در فکرِ همه خاکِ وطن میبودی
مرز بندیِ «شمال» تو خوشم می آید

حرفی از صلح و صفا و چمنِ سبز مزن
من همان قتل و قتالِ تو خوشم می آید

من که از نامِ «کمسیون» و فسون خسته شدم
همو «گوسفند» فعالِ تو خوشم می آید

هارون یوسفی

لندن ۲۹ جون ۲۰۱۴